

میدانها ی الکتریکی - عرضی و مغناطیسی - عرضی

mamwad@mailaps.org

محمد خرمی

با یک تابع به-حد-کافی-هموار میشود فضا را به زیرمجموعه‌ها یی (رویه‌ها ی تراز آن تابع) افراز کرد که بُعد شان یک ی از بُعد فضا کمتر است. میدانها ی برداری ی مماس بر (عمود بر) این رویه‌ها را عرضی (طولی) مینامند. میدانها ی الکترومغناطیسی بر حسب میدانها ی الکتریکی-عرضی و مغناطیسی-عرضی، و هر یک از این دُسته بر حسب مئلفه‌ها ی طولی ی ناصفر نوشته میشوند.

1 هندسه ی رویه‌ها ی تراز

تابع f از \mathbb{R}^3 به \mathbb{R} را در نظر بگیرید. بردار ی بکه ی عمود بر رویه‌ها ی تراز این تابع را با \hat{n} نمایش میدهم. داریم

$$\hat{n} = \frac{\nabla f}{|\nabla f|}. \quad (1)$$

بخشها ی طولی و عرضی ی میدان برداری ی F را با به ترتیب F_{\parallel} و F_{\perp} نشان میدهم، که

$$F_{\parallel} := \hat{n} (\hat{n} \cdot F), \quad (2)$$

$$F_{\perp} := F - \hat{n} (\hat{n} \cdot F). \quad (3)$$

برای عملگر مشتق هم تجزیه ی مشابه ی تعریف میکنیم:

$$\nabla_1 := \hat{n} (\hat{n} \cdot \nabla), \quad (4)$$

$$\nabla_t := \nabla - \hat{n} (\hat{n} \cdot \nabla). \quad (5)$$

همچنین F_1 را چنین تعریف میکنیم.

$$F_1 := \hat{n} F, \quad (6)$$

و مشابه با آن

$$\nabla_1 := \hat{n} \nabla_1. \quad (7)$$

تعریف میکنیم

$$\ell := \frac{1}{|\nabla f|}. \quad (8)$$

دیده میشود

$$\nabla \cdot \hat{n} = \frac{1}{\ell} \nabla_1 \ell + \ell \nabla^2 f, \quad (9)$$

$$\nabla \times \hat{n} = -\frac{1}{\ell} \hat{n} \times \nabla_t \ell. \quad (10)$$

همچنین، متناظر با میدان اسکالر ϕ تعریف میکنیم

$$\Delta_t \phi := \frac{1}{\ell} \nabla_t \cdot (\ell \nabla_t \phi). \quad (11)$$

طرف راست عبارت بالا، در واقع فقط به رویه‌ها ی تراز بسته‌گی دارد و با تغییر f (به شرطی که رویه‌ها ی تراز تغییر نکنند) عوض نمیشود. برای دیدن این توجه میکنیم که اگر

$$\tilde{f} := g \circ f, \quad (12)$$

آنگاه

$$\tilde{\ell} = \frac{\ell}{g' \circ f}, \quad (13)$$

که g' مشتق g است. اما مقدار $(g' \circ f)$ روی هر یک از رویه‌ها ی تراز ثابت است. پس

$$\nabla_t (g' \circ f) = 0, \quad (14)$$

که نتیجه میدهد

$$\frac{1}{\ell} \nabla_t \cdot (\tilde{\ell} \nabla_t \phi) = \frac{1}{\ell} \nabla_t \cdot (\ell \nabla_t \phi). \quad (15)$$

به Δ_t لپلسی ی عرضی میگوییم. البته برا ی تعریف کامل لپلسی ی عرضی لازم است دامنه ی آن (مجموعه ی توابع ی که لپلسی ی عرضی بر آنها اثر میکند) هم معین باشد. این دامنه متناظر با شرایط مرزی ی مسئله ای که لپلسی ی عرضی در آن به کار میرود تعریف میشود. داریم

$$\begin{aligned} \int_{\mathbb{S}} dS \ell (\nabla_t \phi) \cdot (\nabla_t \phi) &= \int_{\mathbb{S}} dS \nabla_t \cdot [\ell \phi (\nabla_t \phi)] - \int_{\mathbb{S}} dS \ell \phi \Delta_t \phi, \\ &= \int_{\partial \mathbb{S}} dl \hat{q} \cdot [\ell \phi (\nabla_t \phi)] - \int_{\mathbb{S}} dS \ell \phi \Delta_t \phi, \end{aligned} \quad (16)$$

که \mathbb{S} یک رویه ی تراز f ، و \hat{q} بردار ی یکه ی مماس بر \mathbb{S} و عمود بر $\partial \mathbb{S}$ به سوی بیرون است. در اینجا و از این پس فرض شده \mathbb{S} فشرده است. اگر \mathbb{S} مرز نداشته باشد، یا در هر تکه از مرز ϕ یا مشتق عمودی ییش صفر شوند، آنگاه از رابطه ی بالا دیده میشود وقت ی $(\Delta_t \phi)$ صفر است،

$$\nabla_t \phi = 0. \quad (17)$$

دامنه ی Δ_t را مجموعه ی توابع هموار با یک شرط مرزی ی همگن مناسب، تقسیم بر این رابطه ی هم ارزی میگیریم که دُ تابع هم ارز اند اگر اختلاف شان ثابت باشد. اینجا شرط مرزی ی مناسب یعنی در هر تکه از مرز \mathbb{S} خُذ تابع یا مشتق سویی ییش با \hat{q} صفر شود. این که کجا تابع و کجا مشتق سویی ییش با \hat{q} صفر شود را مسئله ای تعیین میکند که لپلسی ی عرضی قرار است در آن به کار رود. با این تعریفها، از (16) دیده میشود اگر $(\Delta_t \phi)$ صفر باشد، آنگاه ϕ هم ارز صفر است. این یعنی هسته ی Δ_t بدیهی است.

1.1 دیورژانس یک میدان برداری

دیده میشود

$$\begin{aligned}
 \nabla \cdot \mathbf{F}_t &= \nabla_t \cdot \mathbf{F}_t + \hat{n} \cdot \nabla_1 \mathbf{F}_t, \\
 &= \nabla_t \cdot \mathbf{F}_t - \mathbf{F}_t \cdot \nabla_1 \hat{n}, \\
 &= \nabla_t \cdot \mathbf{F}_t + \mathbf{F}_t \cdot \left[\hat{n} \times (\nabla \times \hat{n}) - \frac{1}{2} \nabla(\hat{n} \cdot \hat{n}) \right], \\
 &= \nabla_t \cdot \mathbf{F}_t + \mathbf{F}_t \cdot \{ \hat{n} \times [(\nabla \ell) \times (\nabla f)] \}, \\
 &= \nabla_t \cdot \mathbf{F}_t + \frac{1}{\ell} \mathbf{F}_t \cdot \nabla \ell, \\
 &= \frac{1}{\ell} \nabla_t \cdot (\ell \mathbf{F}_t). \tag{18}
 \end{aligned}$$

همچنین،

$$\begin{aligned}
 \nabla \cdot \mathbf{F}_1 &= \nabla_1 F_1 + F_1 \nabla \cdot \hat{n}, \\
 &= \frac{1}{\ell} \nabla_1 (\ell F_1) + \ell F_1 \nabla^2 f. \tag{19}
 \end{aligned}$$

به این ترتیب،

$$\nabla \cdot \mathbf{F} = \frac{1}{\ell} \nabla_1 (\ell F_1) + \ell F_1 \nabla^2 f + \frac{1}{\ell} \nabla_t \cdot (\ell \mathbf{F}_t). \tag{20}$$

1.2 کول یک میدان برداری

داریم

$$\nabla \times \mathbf{F}_t = \nabla_t \times \mathbf{F}_t + \hat{n} \times \nabla_1 \mathbf{F}_t. \tag{21}$$

همچنین،

$$\begin{aligned}
 \nabla \times \mathbf{F}_1 &= (\nabla F_1) \times \hat{n} + F_1 \nabla \times \hat{n}, \\
 &= -\frac{1}{\ell} \hat{n} \times \nabla_t (\ell F_1). \tag{22}
 \end{aligned}$$

به این ترتیب،

$$\nabla \times \mathbf{F} = \nabla_t \times \mathbf{F}_t + \hat{n} \times \left[\nabla_1 \mathbf{F}_t - \frac{1}{\ell} \nabla_t (\ell F_1) \right]. \tag{23}$$

2 میدان الکترومغناطیسی

معادلات مکسول [1] برای میدانهای الکترومغناطیسی برای میدانهای هماهنگ با بسامد زاویه‌ای (ck) ، در نبود چشمه عبارت اند از

$$\nabla \cdot \mathbf{B} = 0, \quad (24)$$

$$\nabla \times \mathbf{E} = ick \mathbf{B}, \quad (25)$$

$$\nabla \cdot \mathbf{E} = 0, \quad (26)$$

$$\nabla \times \mathbf{B} = -\frac{ik}{c} \mathbf{E}, \quad (27)$$

که c سرعت انتشار موج، \mathbf{E} میدان الکتریکی، و \mathbf{B} میدان مغناطیسی است. از جمله نتیجه میشود

$$\frac{1}{\ell} \nabla_t \cdot (\ell \mathbf{B}_t) = - \left[\frac{1}{\ell} \nabla_1(\ell B_1) + \ell B_1 \nabla^2 f \right], \quad (28)$$

$$\hat{n} \cdot (\nabla_t \times \mathbf{B}_t) = -\frac{ik}{c} E_1, \quad (29)$$

$$\frac{1}{\ell} \nabla_t \cdot (\ell \mathbf{E}_t) = - \left[\frac{1}{\ell} \nabla_1(\ell E_1) + \ell E_1 \nabla^2 f \right], \quad (30)$$

$$\hat{n} \cdot (\nabla_t \times \mathbf{E}_t) = ick B_1. \quad (31)$$

دیده میشود با معلوم بودن مثلثه‌های طولی میدانها (و البته شرایط مرزی)، مثلثه‌های عرضی میدانها تعیین میشوند.

3 میدانهای عرضی

یک میدان الکترومغناطیسی را الکتریکی-عرضی مینامند اگر

$$E_1 = 0. \quad (32)$$

به هم ین ترتیب، میدان را مغناطیسی-عرضی مینامند اگر

$$B_1 = 0. \quad (33)$$

میدان را الکتریکی-مغناطیسی-عرضی مینامند، اگر (32) و (33) هر دو برقرار باشند.

یک میدان مغناطیسی - عرضی را در نظر بگیرید. از (31) نتیجه میشود یک پتانسیل ϕ_e هست که

$$E_t = -\nabla_t \phi_e. \quad (34)$$

این را در (30) میگذاریم. نتیجه میشود

$$\Delta_t \phi_e = -\sigma_e, \quad (35)$$

که

$$\sigma_e := -\left[\frac{1}{\ell} \nabla_1(\ell E_1) + \ell E_1 \nabla^2 f \right]. \quad (36)$$

اگر این میدان الکتریکی - مغناطیسی - عرضی باشد، طرف راست (35) صفر است. در این صورت نتیجه میشود

$$\Delta_t \phi_e = 0. \quad (37)$$

پس بخش عرضی میدان الکتریکی، و در نتیجه کل میدان الکتریکی، صفر است. به این ترتیب از (25) نتیجه میشود میدان مغناطیسی هم صفر است. نتیجه این که میدان الکتریکی - مغناطیسی - عرضی نداریم. البته این وقت ی درست است که رویه‌ها ی تراز بدون مرز باشند، یا اگر مرز دارند، میدانها در مرز شرایط مرزی ی مناسب را بر آورند. یک مثال که رویه‌ها ی تراز بدون مرز اند، وقت ی است که این رویه‌ها کره اند. نتیجه میشود میدانها ی الکترومغناطیسی بی نداریم که برا یشان در یک ناحیه مثلثه ی شعاعی ی هم میدان الکتریکی و هم میدان مغناطیسی صفر شود (فصل 9 از [2]). یک مثال که رویه‌ها ی تراز مرز دارند اما شرایط مرزی مناسب است، مُجبر استوانه‌ای با دیواره ی یکپارچه ی رسانای کامل است. نتیجه میشود میدانها ی الکترومغناطیسی بی نداریم که برا یشان در یک ناحیه مثلثه ی موازی بامحور استوانه ی هم میدان الکتریکی و هم میدان مغناطیسی صفر شود (فصل 8 از [2]). یک مثال که رویه‌ها ی تراز مرز دارند اما شرایط مرزی چنان نیست که لپلسی ی عرضی وارونپذیر باشد، مُجبر استوانه‌ای با دیواره ی چندپارچه ی رسانای کامل است. اینجا میدانها ی الکتریکی - مغناطیسی - عرضی داریم، یعنی میدانها بی داریم که برا یشان مثلثه ی موازی بامحور استوانه ی هم میدان الکتریکی و هم میدان مغناطیسی صفر شود (فصل 8 از [2]).

اگر میدان مغناطیسی - عرضی باشد (ولی بخش طولی ی میدان الکتریکی صفر نباشد)، از (35)

نتیجه میشود

$$\phi_e = -\Delta_t^{-1} \sigma_e. \quad (38)$$

Δ_t وارونپذیر است، چون هسته اش بدیهی است. از اینجا میدانها ی مغناطیسی-عرضی (B_e و E_e)

میشوند

$$E_e = \hat{n} E_1 - \nabla_t \Delta_t^{-1} \left[\frac{1}{\ell} \nabla_1(\ell E_1) + \ell E_1 \nabla^2 f \right], \quad (39)$$

$$B_e = \frac{1}{i c k} \nabla \times \left\{ \hat{n} E_1 + \hat{n} \nabla_1 \Delta_t^{-1} \left[\frac{1}{\ell} \nabla_1(\ell E_1) + \ell E_1 \nabla^2 f \right] \right\}. \quad (40)$$

به هم ین ترتیب، میدانها ی الکتریکی-عرضی (B_m و E_m) میشوند

$$E_m = \frac{i c}{k} \nabla \times \left\{ \hat{n} B_1 + \hat{n} \nabla_1 \Delta_t^{-1} \left[\frac{1}{\ell} \nabla_1(\ell B_1) + \ell B_1 \nabla^2 f \right] \right\}, \quad (41)$$

$$B_m = \hat{n} B_1 - \nabla_t \Delta_t^{-1} \left[\frac{1}{\ell} \nabla_1(\ell B_1) + \ell B_1 \nabla^2 f \right]. \quad (42)$$

4 میدانها ی کلی

یک میدان الکترُمغناطیسی برهمنَش میدانها ی مغناطیسی-عرضی و الکتریکی-عرضی است. پس،

$$E = \hat{n} E_1 - \nabla_t \Delta_t^{-1} \left[\frac{1}{\ell} \nabla_1(\ell E_1) + \ell E_1 \nabla^2 f \right] + \frac{i c}{k} \nabla \times \left\{ \hat{n} B_1 + \hat{n} \nabla_1 \Delta_t^{-1} \left[\frac{1}{\ell} \nabla_1(\ell B_1) + \ell B_1 \nabla^2 f \right] \right\}, \quad (43)$$

$$B = \hat{n} B_1 - \nabla_t \Delta_t^{-1} \left[\frac{1}{\ell} \nabla_1(\ell B_1) + \ell B_1 \nabla^2 f \right] + \frac{1}{i c k} \nabla \times \left\{ \hat{n} E_1 + \hat{n} \nabla_1 \Delta_t^{-1} \left[\frac{1}{\ell} \nabla_1(\ell E_1) + \ell E_1 \nabla^2 f \right] \right\}. \quad (44)$$

دیده میشود میدان الکترُمغناطیسی بر حسب متلفهها ی طولی ی میدانها ی الکتریکی و مغناطیسی به دست می آید.

از (25) و (27) نتیجه میشود

$$\nabla \times (\nabla \times E) = k^2 E. \quad (45)$$

در نتیجه با توجه به

$$\nabla \times (\nabla \times F) = \nabla(\nabla \cdot F) - \nabla \cdot \nabla F, \quad (46)$$

و (26) ،

$$(\nabla \cdot \nabla + k^2)E = 0. \quad (47)$$

یعنی میدان الکتریکی معادله ی هلمهولتز [3] را بر می آورد. با استدلال ی مشابه دیده میشود میدان مغناطیسی هم معادله ی هلمهولتز [3] را بر می آورد. و چون میدانها ی مغناطیسی-عرضی و الکتریکی-عرضی هم جوابها ی معادلات مکسول [1] اند، میدانها ی الکتریکی و مغناطیسی ی متناظر با میدانها ی مغناطیسی-عرضی و الکتریکی-عرضی هم معادله ی هلمهولتز [3] را بر می آورند. به این ترتیب،

$$\hat{n} \cdot \nabla^2 \left\{ \hat{n} E_1 - \nabla_t \Delta_t^{-1} \left[\frac{1}{\ell} \nabla_1(\ell E_1) + \ell E_1 \nabla^2 f \right] \right\} + k^2 E_1 = 0, \quad (48)$$

$$\hat{n} \cdot \nabla^2 \left\{ \hat{n} B_1 - \nabla_t \Delta_t^{-1} \left[\frac{1}{\ell} \nabla_1(\ell B_1) + \ell B_1 \nabla^2 f \right] \right\} + k^2 B_1 = 0. \quad (49)$$

معادلات (48) و (49) مثلثهها ی طولی ی میدانها ی الکتریکی و مغناطیسی را تعیین میکنند. با داشتن این مثلثهها، از (43) و (44) کل میدان الکترُمغناطیسی به دست می آید.

5 پانوشتها

[1] Maxwell

[2] John David Jackson; "Classical electrodynamics" 3rd edition (John Wiley & Sons, 1998)

[3] Helmholtz